

موضوع‌شناسی فقهی «جهاد تمدنی»

عباس کعبی نسب^۱

سیدعلی منجم^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱

چکیده

«جهاد» به معنای عام، یکی از مهم‌ترین ابواب فقهی است که ساختار سنتی آن، با نیازهای امروز و تحولات عرفی و سیاسی هماهنگ نشده است؛ این خلأ، نیاز به پژوهشی تحول‌آفرین در ناحیه جهاد را ایجاب می‌کند. این مقاله می‌کوشد با همان روش سنتی فقه جواهری، مقتضیات و تحولات اجتماعی و سیاسی امروزه را پشتیبانی نموده و پویایی فقه را نشان دهد. «جهاد» در معنای لغوی یعنی مبارزه و تلاش برای رسیدن به هدفی مهم؛ از این رو، می‌توان آن را فراتر از جنگ نظامی، بر گونه‌هایی مانند جهاد مالی، علمی، امنیتی نیز تطبیق داد. با این نگاه، نیاز به بازتعریف جهاد احساس می‌شود. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، اصطلاحی جدید با عنوان «جهاد تمدنی» پیشنهاد می‌دهد؛ ترکیبی اتحادی از دو مفهوم جهاد و تمدن که گویای این حقیقت است که اگر جهاد، وفق ضوابط شرعی و مقتضیات زمانه تحقق یابد، خود می‌تواند تمدن‌ساز باشد. «جهاد» در همه ابعاد، ایجاد تمدن می‌کند و تمدن نتیجه جهاد است. قلمرو این جهاد تمدنی، تنها به میدان نبرد نظامی محدود نمی‌گردد، بلکه ابعاد گوناگونی از زندگی اجتماعی، اقتصاد و علم گرفته تا خانواده، امنیت و جامعه را در بر می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: جهاد، تمدن، جهاد تمدنی، سبیل الله، موضوع‌شناسی فقهی.

۱. استادیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران، kabi@iki.ac.ir.

۲. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

مقدمه

«جهاد» به عنوان یکی از ابواب مهم فقهی، همواره در طول تاریخ اسلام مورد توجه فقیهان و اندیشمندان بوده است. در آیات و روایات متعددی، از اهمیت و جایگاه والای «جهاد» سخن به میان آمده است. مفهوم جهاد در قرن اخیر، با تفاسیر متعدد و گاه متعارضی روبه‌رو شده و هر تفسیر، حول یک یا چند گفتمان خاص شکل گرفته است. آنچه در پژوهش‌های موجود، کمتر بدان پرداخته شده، نگاه به موضوع جهاد با توجه به مقتضیات زمان و مکان است. در حقیقت، بسیاری از کتب فقهی موجود، ساختاری خطی و متکی بر آرای پیشینیان را دنبال می‌کنند و کمتر به تغییر مقتضیات زمان و مکان در استنباط احکام توجه نشان داده‌اند. از این رو، خلأ پژوهشی در زمینه بررسی باب جهاد با رویکردی موضوعی و پویا، که نگاه تمدنی به جهاد داشته باشد و با نگاه فقهی صورت گرفته باشد، احساس می‌شود. اهمیت این پژوهش در این است که اولاً موجب نگاه تحول‌آفرین به موضوع جهاد می‌شود که علاوه بر جنبه نظامی، جنبه‌های فرهنگی، تمدنی، امنیتی، حقوقی، سیاسی، روابط بین‌الملل، اجتماعی، اخلاقی و... را نیز دربرگیرد و ثانیاً جهاد را به عنوان عنصر اصلی تشکیل تمدن نوین اسلامی که مورد توجه رهبر شهید انقلاب علیه‌السلام بوده دانسته شود. ضرورت این پژوهش آنچنان است که عرصه‌های اقتصاد و فرهنگ که در آنها نگاه جهادی وجود ندارد، نظام اسلامی را دچار اختلالات عمیق و ضررهای هنگفت در این زمینه‌ها نموده و آن را از تشکیل تمدن اسلامی بازداشته است.

هدف اصلی پژوهش حاضر، بازخوانی جهاد در قالب نظریه جهاد تمدنی است و به این پرسش اساسی پاسخ خواهد داد که جهاد با نگاه تمدنی حول محور چه موضوعی بحث می‌کند. روش تحقیق در این پژوهش، ترکیبی از روش کیفی و به شیوه توصیفی-تحلیلی است. آنچه که موضوع مرکب «جهاد تمدنی» را شکل می‌دهد، شمول قید «سبیل الله» در جهاد است. بنابراین با توجه به آیات و روایات، «جهاد تمدنی» موضوعی منصوص است. اصل جهاد قبل از اسلام در عرف، به معنای لغوی استعمال شده؛ ولی شارع مقدس، قید سبیل الله را به این عنوان اضافه نموده؛ پس موضوع «مقید شرعی» است.

مقالات متعددی تحت عنوان «جهاد» به نگارش در آمده است؛ اما اثری که نگاه تمدنی به جهاد داشته باشد، معدود است. پیشینه خاص مقاله حاضر، اثری تحت عنوان «تعلیل جهاد انگاری الزامات غیرنظامی تمدن‌سازی مبتنی بر اندیشه تمدنی آیت الله خامنه‌ای علیه‌السلام» (اسعدی، ۱۴۰۳ش) تبیین می‌کند آیت الله خامنه‌ای علیه‌السلام نقش‌آفرینی سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی در مسیر تمدن نوین اسلامی را بر اساس جهاد می‌داند. این عرصه‌ها نیازمند انگیره الهی، احساس فریضه، تلاش سخت‌کوشانه و مقابله با موانع و تهاجم غیر نظامی است. یافته

پژوهش نشان می‌دهد جهاد انگاری الزامات تمدن‌سازی بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های دینی جامعه و نگاه کلان به واقعیت‌های داخلی و جهانی استوار است. مقاله دیگر با عنوان «بررسی الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی» (رجبی، ۱۳۹۷ش) با تحلیل مفهوم قرآنی جهاد، تربیت جهادی را یکی از بایسته‌های بنیادین تحقق تمدن نوین اسلامی معرفی می‌کند و نسبت دوسویه انسان و تمدن را در این چارچوب بررسی می‌نماید. بر اساس یافته‌ها، پس از مرحله نظام‌سازی انقلاب اسلامی، موفقیت در مواجهه فعال تمدن اسلامی با تمدن‌های رقیب، در گرو تمدن‌ساز با بینش، کنش و منش جهادی در عرصه‌های فردی و اجتماعی است. این دو مقاله، بیش از آنکه نگاه فقهی به جهاد داشته باشند، نگاه جامعه‌شناختی و تربیتی به آن دارند و به عناصر موضوعی جهاد اشاره ننموده‌اند.

مقاله دیگر، تحت عنوان «گفتمان کاوی؛ رهیافتی نو در فقه جهاد از نگاه فقیهان و اندیشمندان مذاهب اسلامی» (فخلعی و عبدخدایی، ۱۴۰۳) با بیان گفتمان‌های مختلف در فقه، با تأکید بر گفتمان مقاصد الشریعه به تحول حکمی در باب جهاد پرداخته است. تفاوت این اثر با مقاله حاضر، در نگاه تحول‌موضوعی و تمدن‌سازی جهاد است.

وجه تمایز مقاله حاضر با آثار دیگر در مسئله جهاد، در این است که اولاً جهاد را موضوعی فعال می‌بیند که در همه عرصه‌ها و ابعاد زندگی، نقش آفرین است و نگاه سنتی به جهاد را که منحصر در مسائل نظامی است مورد نقد قرار می‌دهد. ثانیاً به شاخص‌های ماهوی جهاد تمدنی اشاره می‌کند. ثالثاً جهاد را عنصر اساسی ساخت تمدن نوین اسلامی می‌داند.

ادبیات پژوهش

مفهوم‌شناسی جهاد تمدنی

شناخت مفهوم، به عنوان یکی از مراحل اساسی شناخت یک موضوع است. تا زمانی که ماهیت و مفهوم یک موضوع به درستی شناخته نشود، رسیدن به حکم واقعی متناسب با موضوع، امکان ندارد.

۱. مفهوم جهاد

جهاد در لغت از «جهد» به معنای مشقت و زحمت و یا از «جُهد» به معنای وسع و طاقت گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ش، ص ۱۰۱). برخی نیز این دو را به یک معنا بازگشت داده‌اند و آن را طاقت و مشقت معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۳۳). در اصطلاح فقها، جهاد به دو قسم جهاد اکبر و اصغر تقسیم شده است. در اصطلاح شرعی، دو تعریف

برای جهاد اصغر ذکر شده است؛ تعریف اول که محدودتر است، بذل جان و آنچه بدان وابسته است را شاما می‌شود؛ از جمله مال، در راه نبرد با مشرکان یا باغیان، به شیوه‌ای خاص و مشخص. تعریف دوم که تعریف فراگیرتری است، شامل بذل جان و مال و توان در راه‌های کلمه اسلام و برپاداشتن شعائر ایمان است. تعریف دوم، جامع است؛ ولی مانع اغیار نیست. چرا که اعتلای کلمه اسلام، منحصر در جهاد نیست و موارد دیگر را نیز شامل می‌شود (نجفی، بی تا، ج ۲۱، ص ۳) و جهاد اکبر، جهاد با نفس است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۱۲۹). آنچه که از معنای جهاد در آیات قرآن همچون آیه شریفه «پس، از کافران اطاعت مکن! و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز» (فرقان، ۵۲) می‌توان یافت، معنای عامی است که جهاد فرهنگی، جهاد با نفس، جهاد با شیطان، جهاد با کفار و مشرکین و جهاد با منافقین را شامل می‌شود (حلی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۹۶). از آنجا که سوره فرقان، مکی است و مشروعیت جهاد در مدینه و پس از قدرتمند شدن اسلام بوده است، این آیه شریفه بر دیگر مصادیق غیر از نظامی تطبیق داده می‌شود (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۰). لکن فقها در تعریف جهاد، آن را منحصر به جهاد نظامی و قتال فی سبیل الله معنا کرده‌اند؛ تا جایی که جهاد مالی را نیز زیرمجموعه قتال و جهاد نظامی می‌دانند و آن را نوعی پشتیبانی از آن شمرده‌اند. به عنوان نمونه، یکی از موارد مصرف زکات، مصرف در راه خدا است و یکی از مصادیق آن، مصرف زکات در جهت دفاع از کیان اسلامی در زمانی است که احتمال حمله دشمن داده می‌شود (حکیم، ۱۳۷۴ش، ج ۹، ص ۳۸۳). همچنین در زمانی که احتمال حمله دشمن داده می‌شود به جهت تألیف قلوب آنان، مصرف زکات به ایشان جایز است (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۳۴۴). این در حالی است که موارد مصرف زکات، فی سبیل الله و تألیف قلوب است و این دو، دارای معنای عامی است که شامل هر آن چیزی است که موجب تألیف قلوب و در راه خدا است و یکی از مصادیق آن، جهاد نظامی می‌باشد؛ مصادیق دیگری مانند جهاد علمی و اقتصادی نیز می‌تواند داشته باشد. از فقه‌های معاصر، فقط محقق خویی است که عنوان مستقلی برای جهاد مالی قائل است؛ ایشان عدم ذکر این مسئله را در نزد فقها را از جهت وضوح آن نزد ایشان دانسته است (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۶۷).

آیات قرآن، شاهد بر عمومیت تطبیق جهاد است که به تناسب، می‌توان به دو دسته آیات جهاد نازل شده در مکه و مدینه اشاره کرد. آیات مکی متعددی به جهاد به منظور دعوت به سمت خدا اشاره دارد. از آنجا که در مکه، هنوز جهاد نظامی مشروعیت نیافته بود، این دعوت دارای اقسام متعددی از قبیل جهاد کبیر، جهاد تبیین، جهاد صبر بر مصیبت، جهاد مقاومت، جهاد تحمل شکنجه و جهاد ایستادگی مقابل مشرکین بوده است. در موارد ذکر شده برای جهاد

غیرنظامی، ماده «جهاد» و مشتقات آن، در علم و عمل، بذل مال و نفس و مخالفت با هوای نفس استعمال شده است؛ اینکه بقای دین را به جهاد گرفته‌اند، مراد این معنای عام است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۸). برخی نمونه‌ها در آیات قرآن و روایات به شرح ذیل است.

آیه «هر که جهاد کند، به سود خود کرده است» (عنکبوت، ۶) برخی مفسرین این آیه را در مورد جهاد نظامی و صبر در جنگ بر شمرده‌اند (شیخ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۱۸۹). لکن با توجه به سیاق قبل و بعد آیات، این آیه صرفاً در مورد جهاد نظامی نیست؛ بلکه شامل تمام وجوه جهاد از جمله جهاد با نفس در مقابل معاصی، لذات و شهوات است (قرائتی، ۱۳۸۸ش، ج ۷، ص ۱۱۵). در روایت نیز این گونه نقل شده است: «علی بن ابراهیم در تفسیر خود، در باب آیه «وَمَنْ جَاهَدْ»، از امام علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: مراد، جهاد نفس در برابر شهوات، لذت‌ها و معاصی است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۳۹).

همچنین آیه «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛ پس، از کافران اطاعت مکن، و با [الهام گرفتن از] آن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز» (فرقان، ۵۲) که آیه مکی است و دو احتمال در ضمیر «به» وجود دارد؛ در صورتی که مرجع ضمیر، به قرآن برگردانده شود، معنای آن این است که در مقابل مشرکین به وسیله قرآن جهاد کبیر کن! احتمال دیگر آنکه این ضمیر به عدم اطاعت ارجاع داده شود؛ بدین معنا که تسلیم کفار نشو! همین که تسلیم نشوید و ذوب در فرهنگ مشرکین نشوید این جهاد کبیر است (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۹۸). بنابر هر دو احتمال، می‌توان فعالیت علمی دانشمندان و متکلمان در دفاع از دین را از نوع جهاد کبیر دانست (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۲۷۳).

در روایات نیز این معنا به صورت عام نقل شده است؛ به عنوان نمونه، در نهج البلاغه، در روایت معروف دعائم الایمان آمده است: «از او [حضرت علی علیه السلام] درباره ایمان پرسیده شد. فرمود: ایمان بر چهار پایه استوار است؛ بر شکیبایی، یقین، عدالت و جهاد. و جهاد نیز خود بر چهار شاخه است؛ امر به معروف، نهی از منکر، راستی در میدان‌های آزمون و دشمنی با فاسقان. پس هر که امر به معروف کند، پشت مؤمنان را استوار ساخته و هر که نهی از منکر کند، بینی کافران را به خاک مالیده و هر که در موضع‌های دشوار راستی پیشه کند، آنچه را بر عهده داشته ادا نموده؛ و هر که با فاسقان دشمن باشد و برای خدا خشم گیرد، خداوند نیز خشم او را پاداش دهد و روز رستاخیز خشنودش سازد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱). همچنین مورد دیگر در خطبه‌های نهج البلاغه، در وصیت حضرت امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است: «از خداوند حذر کنید با جهاد به وسیله اموالتان، جانتان و زبان‌تان در راه خدا» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

۱. معنا شناسی واژگان متقارب جهاد

• «سفک دماء»؛ آیه شریفه «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ؛ زمانی که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید» (بقره، ۸۴) احتمالات مختلفی در مخاطب این آیه شریفه وجود دارد (فقیهی، ۹۷/۱۰/۲۶) بنابر جمیع احتمالات، «سفک دماء» به معنای هدر دادن خون است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۱۵). که بار ارزشی منفی دارد.

• «هرب»؛ در لغت به معنای فرار است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۷۸۳). در قرآن و روایات، نه بار ارزشی مثبت و نه منفی دارد؛ بلکه خنثی است.

• «قتال فی سبیل الله»؛ قتال به معنای محاربه بین دو طرف است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۶۰۹) معمولاً قید سبیل الله در کتاب های فقهی، همراه با قتال آمده است. مشهور میان فقها این است که جهاد، همراه با قتال است و جهاد فی سبیل الله را به معنای قتال فی سبیل الله و جنگیدن در معرکه می دانند. بنابر نظر ایشان، متعلق معرکه، قتال است و در اقسام جهاد، اقسام قتال را ذکر کرده اند (نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۱۸). از دیدگاه ایشان در جهاد، بایستی قتال و خونریزی و زد و خورد اتفاق بیفتد. لکن بنابر آنچه در مفهوم جهاد گذشت، معنای جهاد از نظر قرآن و روایات و لغت، اعم از قتال است و بنابراین میدان معرکه در جهاد، شامل ابعاد مختلف نظامی و غیر نظامی است.

۲. مفهوم تمدن

«تمدن» در لغت به معنای شهرنشینی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش است (عمید، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۶۱۵). در عربی نیز با عنوان حضاره به معنای شهرنشینی در مقابل با بادیه نشینی تعبیر می شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۶۸). تعاریف اصطلاحی متعددی برای تمدن ذکر شده است. برخی آن را به حالت اجتماعی انسان ها تعبیر می کنند (ابن خلدون، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۳) و برخی آن را نوعی نظم اجتماعی می دانند که موجب خلاقیت فرهنگی می گردد (دورانت، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۳۰). برخی نیز آن را مجموعه ساخته ها و اندوخته های معنوی و مادی جامعه می دانند (شریعتی، ۱۳۵۹ش، ج ۱۱، ص ۹) در جمیع این تعاریف، عنصر اجتماع واحد که دارای همگرایی در حرکت به سمت هدف واحد هستند دیده می شود.

در اندیشه رهبر شهید انقلاب، تمدن اسلامی به شرایط و ساختاری اشاره دارد که در آن، انسان بتواند در ابعاد مادی و معنوی به رشد و تعالی دست یابد و در مسیر تحقق غایات مطلوب انسانی حرکت کند. در چنین چارچوبی، کیفیت زندگی، عزت انسانی و برخورداری از اراده، قدرت، خلاقیت و توانایی در ساماندهی و سازندگی جهان پیرامون، از جمله مؤلفه های اصلی



این تمدن به شمار می‌رود. بر این اساس می‌توان گفت که یکی از اهداف محوی نظام جمهوری اسلامی، فراهم سازی زمینه‌های شکل‌گیری چنین تمدنی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹).

۳. مفهوم جهاد تمدنی

عنوان «جهاد تمدنی» اصطلاحی مرکب است که بر اساس آنچه در مفهوم‌شناسی جهاد و همچنین آیات و روایات گذشت، ساخته می‌شود. مراد از جهاد تمدنی، یک ترکیب اتحادی به شکل صفت و موصوف است نه ترکیب انضمامی به شکل مضاف و مضاف الیه. مراد از ترکیب اتحادی، آن چیزی است که قابل تفکیک از هم نیستند؛ برخلاف انضمامی که دارای دو حقیقت جدا از هم هستند. تمدن و جهاد نیز مانند ترکیب روح و بدن بوده و قابل تفکیک از یکدیگر نیستند. جهاد اگر طبق ضوابط محقق شود، تمدن‌ساز است. چنانکه رهبر شهید می‌فرماید: «جهاد مداوم، نیاز همه است. همه پیشرفت‌ها، همه تمدن‌سازی‌ها به برکت مجاهدت دائم ایجاد شده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱) بنابراین هنگامی که جهاد، همه ساحت‌های وجود آدمی را در برگیرد زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن خواهد بود.

ارکان و عناصر ماهوی جهاد تمدنی

الف. اولین رکن جهاد تمدنی، به‌کارگیری تمام ظرفیت عقلی، روحی، روانی و جسمانی جهت تبدیل ضعف به قدرت است. این شاخص، از معنای لغوی جهاد اخذ شده است. جهد و جهد، به معنای «المبالغة و استفراغ ما في الوسع و الطاقة من قول أو فعل» (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰۸) است که به معنای تلاش خستگی‌ناپذیر است. کسی که تلاش خستگی‌ناپذیر می‌کند، مجاهد است. یعنی تنبلی و کوتاهی و سستی و غفلت نمی‌کند و از قوا و نعمت‌هایی که خدا به او داده، در جهت شناخت نعمت‌ها استفاده می‌کند و سپس نعمت را تبدیل به فرصت و فرصت را به تکلیف تبدیل نموده و تکلیف را به سمت کارهای بزرگ جهت می‌دهد. ادله آن، علاوه بر معنای لغوی، حکم عقل به وجوب قدرت‌اندوزی در مقابل دشمنان (خامنه‌ای، ۱۴۰۷/۱۱/۲۶) و آیه شریفه ﴿و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید آماده کنید﴾ (انفال، ۶۰) است.

ب. جهاد تمدنی از حیث موضوع، ماهیتی در راستای توسعه و گسترش توحید دارد و از جنگ‌های توسعه‌طلبانه، استعماری و امپریالیستی به‌روشنی متمایز است. آیه شریفه ﴿آنها کسانی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم، نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند﴾ (حج، ۴۱) دلالت بر این امر دارد که مجاهد فی سبیل الله به دنبال گسترش توحید و اقامه احکام الهی در جامعه است و لذا نبردی که بر پایه استثمار و تحمیل سلطه شکل گیرد، از دایره موضوع جهاد اسلامی خارج خواهد بود.

ج. جهاد در شریعت اسلامی، پیوسته همراه با مفهوم «سبیل الله» آمده است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۸) آیات متعددی از قبیل (بقره، ۲۱۸؛ نساء، ۸۹؛ انفال، ۷۴؛ توبه، ۲۰؛ صف، ۱۱) این دو را مقرون به یکدیگر ذکر کرده اند. مصادیق جهاد در راه خدا را می توان در محورهای زیر دسته بندی کرد: اقامه دین و شریعت، استقرار حاکمیت عادلانه، تحقق پیشرفت، عدالت، عزت و کرامت انسانی. این مفاهیم در حوزه حاکمیتی با عناوینی چون امنیت ملی، منافع ملی، وحدت ملی، اقتدار ملی و عزت ملی قابل تعبیر و تطبیق اند.

اصل جهاد مشروط به قصد قربت در نیت تک تک شرکت کنندگان آن نیست. از این رو بسیج تمام ظرفیت های انسانی، مستقل از انگیزه فردی، در چارچوب جهاد مشروع، نه تنها جایز بلکه مقتضای تکلیف دفع طاغوت است. شاهد این مطلب، دیدگاه مشهور فقها است که جهاد را واجب توصلی می دانند (شبیری، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۰)، هرچند تعداد کمی از فقها قائل به تعبدی بودن آن در مورد جهاد ابتدایی هستند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۴۲۳). بنابراین طبق دیدگاه مشهور فقها صحت عمل از نیت فاعل قابل تفکیک است. بدین معنا که اگر فردی بدون نیت الهی یا با اغراض غیر خالصانه در جهاد شرکت کند، اما عمل وی منجر به دستاوردهای مثبت برای اسلام گردد، آن جهاد از منظر شرعی، صحیح و رافع تکلیف محسوب می شود. اما این صحت فعلی، ملازم با أجر اخروی برای فاعل نیست. این بحث مستند به ادله روایی است؛ در روایتی آمده است: هنگامی که سائل، شرایط جهاد را بسیار صعب و دشوار می یابد و از امام درباره ترک آن می پرسد، امام صادق (ع) ضمن تأکید بر عدم جواز ترک جهاد، می فرمایند: «خداوند متعال این دین را به وسیله اقوامی یاری می رساند که بهره ای [در آخرت] ندارند» (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۵، ص ۱۹) این روایت، صراحتاً مؤید آن است که تحقق هدف شرعی جهاد ممکن است توسط فردی صورت گیرد که خود، فاقد بهره اخروی است.

د. چهارمین رکن در جهاد تمدنی، «دشمن» است. فعل مکلف در مقابله با دشمن متعلق جهاد است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰۸). در ادبیات قرآن و روایات، ممانعت تراشی و اقدام تخریبی دشمن، تحت عنوان «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (بازداشتن از راه خدا) بیان شده است. «صَدَّ» در لغت به معنای روی گردانی و اعراض (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۴۵) و در روایات به معنای منعی که توسط مشرکین برای حاجیان اتفاق افتاده است (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۳، ص ۱۷۷) لذا می توان صد عن سبیل الله را به این معنایان کرد: به کارگیری تمام ظرفیت های مکر، فریب و توطئه برای ایستادگی در برابر اسلام و ایجاد مانع در مسیر آن. بر این اساس، می توان گفت «مجاهد» فردی است که در برابر این صد ایستادگی کرده، توطئه های دشمن را شناسایی و خنثی می سازد و اقدام به ضربه متقابل می نماید. بنابراین تحقق جهاد تمدنی با دشمن، متوقف بر شناخت

دقیق دشمن در ابعاد مختلف، اعم از دشمنی با اصل اسلام، مسلمین، نظام اسلامی یا با باورها و ارزش‌های حاکم بر آن می‌باشد. کسب این شناخت، امکان اقدام مؤثر جهت تضعیف دشمن و خنثی‌سازی برنامه‌های او را فراهم می‌سازد.

در نگاه فقه سنتی به جهاد، دشمنان در سه دسته اهل کتاب، مشرکان و بغات جای می‌گیرند (نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۵). در این نگرش، کفر به عنوان ملاک محوری دشمنی تلقی می‌شود. اما به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی قابل بازنگری است. مراجعه به آیات جهاد نشان می‌دهد تعلیل‌ها غالباً بر مفاهیمی چون طاغوت، ظلم، افساد و استکبار مبتنی است. بنابراین ملاک اصلی دشمنی، طاغوت محارب است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ش، ص ۱۳). مانند آیه شریفه ﴿اهل ایمان در راه خدا و کافران در راه طاغوت (شیطان) جهاد می‌کنند﴾ (نساء، ۷۶) بر این اساس، تفاوتی میان مسلمان و کافر در اصل طاغوت و در نتیجه «دشمنی» وجود ندارد. البته این تقسیم‌بندی ناظر به جهاد دفاعی است و إلا در جهاد ابتدایی، صرفاً کفار موضوع حکم هستند؛ چرا که اصل جهاد ابتدایی، جهاد دعوت به اسلام است و در مورد مسلمان دعوت معنا ندارد.

در سیره نبوی، نبی اکرم ﷺ دشمنان خود را اولویت‌بندی فرموده؛ مشرکین و قریش را دشمن اول خود و سپس یهودیان و پس از آنها اعراب اطراف مدینه را که احتمال اذیت و آزار از جانب ایشان وجود داشت درجه‌بندی نموده‌اند. تمرکز رسول اکرم ﷺ بر فتح مکه و جنگ با مشرکین بوده است و جنگ‌هایی که با یهودیان داشتند، به دلیل نقض عهد ایشان و تخیلفاتی بود که نسبت به معاهدات خود انجام می‌دادند. اما نسبت به بادیه نشینان اطراف، با انجام قراردادهایی، ایشان را تحت چتر خود قرار می‌دادند تا از سویشان مورد اذیت و آزار قرار نگیرند. با توجه به تحولات جهان معاصر، تطبیق مصادیق این تقسیم‌بندی سنتی، نیاز به بازنگری دارد. در این تطبیق، مشرکین صدر اسلام که مصداق طاغوت اکبر بودند، در دوران معاصر، بر استکبار جهانی قابل انطباق هستند. در خصوص جهاد با اهل کتاب، این موضوع در دوران معاصر، از لحاظ موضوعی، منتفی به نظر می‌رسد. فقه سنتی، غایت این جهاد را پذیرش شرایط ذمه دانسته است؛ در حالیکه امروزه، ساختاری به نام دارالذمه در جهان وجود ندارد؛ حتی در دولت اسلامی مانند ایران، اقلیت‌های دینی (مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان) در وضعیت ذمه قرار ندارند، بلکه معاهد محسوب می‌شوند و ایران برای ایشان دارالعهده شمرده می‌شود.

به نظر می‌رسد در مفهوم «بغات» نیز توسعه رخ داده است. در فقه سنتی، بغات به کسانی اطلاق می‌شود که علیه امام مسلمین که در روایات بر امام معصوم علیه السلام تطبیق داده شده خروج و اقدام مسلحانه می‌کنند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۵). مصادیق بارز آن، ناکشین، قاسطین

و مارقین بودند. این مفهوم در دوران غیبت و در عصر استقرار دولت اسلامی قابل توسعه است. بر این اساس، جهاد با بغات شامل مقابله با هرگونه اقدام علیه دولت اسلامی، رهبری الهی، امت اسلامی و شیعیان و موالیان امیرالمؤمنین علیه السلام می شود. در نتیجه، مصادیق معاصر بغات و مقابله با آنها بسیار گسترده تر از تعریف سنتی آن است و مواردی همچون مقابله با نظام اسلامی در همه عرصه ها، جریانات اسلام ستیز، شیعه ستیز و ایران ستیز را در بر می گیرد. به طور مشخص، جنگ هشت ساله تحمیلی رژیم بعثی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و همچنین جنگ علیه جریانات تکفیری و داعشی، دو مصداق روشن از جهاد با بغات در دوران معاصر محسوب می شوند. این تحول در موضوعات، بیانگر پویایی فقه شیعه در مواجهه با نیازهای زمانه و لزوم توسعه موضوع جهاد فی سبیل الله است.

در تحلیل نقش منافقین و جایگاهشان به عنوان یکی از اقسام دشمن، می توان به دو دسته اشاره نمود. یک دسته از منافقین که ذیل بغات قرار می گیرند و با حکومت اسلامی به مبارزه مسلحانه می پردازند؛ مانند عملیات مرصاد، که همان حکم بغات را دارند و بایستی با آنها به جنگ مسلحانه پرداخت. دسته دیگر از منافقین صرفاً دارای شبهه هستند و دست به سلاح نبرده اند؛ نحوه مواجهه با ایشان جهاد تبیین است. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در جریان جنگ خوارج، با جهاد تبیین به هدایت عده زیادی از خوارج پرداخت و در ادامه، با آن دسته از خوارج که هدایت نشدند، مبارزه مسلحانه و جنگ نمود. در آیه شریفه «ای پیغمبر با کافران و منافقان جهاد و مبارزه کن و بر آنها بسیار سخت گیر» (توبه، ۷۳) این غلظت نسبت به کفار و منافقین متفاوت بوده است؛ جهاد کفار با سلاح و جهاد منافقین بالسان است (خامنه ای، ۱۳۶۵/۰۸/۱۰).

ه. پنجمین رکن، «نقش فقها» در جهاد تمدنی است. «فقیه» وظیفه دارد در حوادث واقعه، بر اساس تشخیص مصالح و مفاسد، حکم نماید (روحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۹۱). جهاد نیز که بارزترین مصداق اعمال قدرت و حاکمیت است، باید تحت هدایت، حمایت و اذن رهبر جامع شرایط باشد. در عصر غیبت، «ولی فقیه» است که مصلحت اسلام و مسلمین را تشخیص می دهد. فقها، اذن فقیه در جهاد نظامی را به عنوان شرایط جهاد ذکر کرده اند (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۶۴)؛ اما به نظر می رسد از آنجا که جهاد تمدنی، جهاد فی سبیل الله است و با توجه به اینکه مشروعیت جهاد، متوقف بر اذن رهبر است و بدون اذن وی، جهاد مشروعیت ندارد. بنابراین بایستی آن را جزء ماهیت جهاد تمدنی دانست. البته در بسیاری از موارد اذن عام وجود دارد و نیازی به اذن به خصوص نیست؛ مانند اذن عام به جهاد علمی و اقتصادی؛ اما در برخی موارد، به دلیل مصلحت سنجی فقیه ممکن است از اذن عام خارج گردد.

اقسام قدیم و جدید جهاد به لحاظ مختلف با نگاه تحولی به آن

بر اساس مفهوم بیان شده در جهاد، می‌توان علاوه بر نقدی که در نگاه سنتی به اقسام جهاد می‌شود، به اقسام جهاد تمدنی نیز اشاره نمود. از فقهای که در بحث «جهاد» تحول آفریده‌اند امام خمینی علیه السلام است که در «تحریرالوسیله» در ذیل امر به معروف و نهی از منکر، فصلی با عنوان «فصل فی الدفاع» قرار داده‌اند و دوازده مسئله در آن مطرح نموده‌اند (خمینی، ۱۳۹۲ ش، ج ۱، ص ۵۱۵). در «کشف الغطاء» نیز مباحث جدیدی در زمینه جهاد بیان شده است (کاشف الغطاء، بی‌تا، ص ۳۸۱). دیگری رهبر شهید است که بنابر نظرشان، شمشیر جهاد برای نجات مستضعفین و بر علیه قدرت‌های کافر طاغوت و نه علیه کفار مستضعف است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۳).

۱. نقد و بررسی تقسیم جهاد در فقه سنتی

در فقه سنتی مرسوم، جهاد، به طور معمول به جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی تقسیم می‌شود (نجفی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۱، ص ۱۸)؛ اما این تقسیم‌بندی یک ساختار صناعی فقهی است و مبتنی بر آیات، روایات یا اجماع صریح فقیهان یا ضرورت عقل، به عنوان یک قاعده مستقل نیست. در واقع ریشه چنین تفکیکی، عمدتاً در تقسیم‌بندی‌های کتاب‌های فقه اهل سنت است و سپس حاشیه‌نویسی‌ها و شروح فقهای امامیه آن را وارد ادبیات فقهی شیعی کرده‌اند. (کعبی، ۱۳۹۸/۰۹/۱۸) اصل تقسیم‌بندی «جهاد» در متون فقهی اهل سنت و در فقه شیعه، ذیل کتبی مانند «خلاف» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۳۴۵) و نظایر آن مشاهده می‌شود. فقهای شیعه در مواجهه با این متون، بر همان تقسیمات، حاشیه زده‌اند و با گذر زمان، این تقسیم‌بندی‌ها وارد سایر کتب فقه امامیه شده و توسعه یافته‌اند. فقهای امامیه غالباً اصل جهاد را جهاد ابتدایی دانسته‌اند و از آنجا که مورد ابتلای جامعه شیعی نبوده، درباره آن بحث کمتری داشته‌اند؛ در مقابل نسبت به جهاد دفاعی، بحث بیشتری شده است؛ برخی از فقها در جهاد بودن دفاع، تشکیک کرده‌اند (شهید اول، ۱۴۳۰ ق، ج ۱۰، ص ۲۲). در پی وقایع تاریخی مانند اشغال‌ها و از دست رفتن مناطقی از ایران در دوره‌های مختلف، فقها به نگارش فتاوی و مسائل جدیدی در باب مسائل جهادی پرداختند؛ این مسائل عمدتاً درباره جهاد دفاعی بوده و در آنها احکام وجوب یا دیگر احکام مرتبط با مقابله دفاعی، تبیین شده است.

۲. دسته‌بندی جهاد بر اساس سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

بر اساس سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، حداقل ده دسته جهاد می‌توان تعریف کرد: یک. جهاد تبیین؛ که در مقابل مشرکین و قریش بود و از صدر اسلام و پس از علنی شدن دعوت و نزول آیه شریفه «انذر عشیرتک الاقربین» (شعراء، ۲۱۴) آغاز گردید.

دو. جهاد صبر؛ که در مقابل شکنجه و در ماجرای شهادتی مانند سمیه و یاسر محقق گردید.

سه. جهاد دفاع از اسلام در مقابل صدّ عن سبیل الله؛ که در ماجرای هجرت پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان مطرح شد.

چهار. جهاد در حوزه سیاست خارجی؛ که یکی از اولویت‌های اصلی آن، دفاع از محرومین و مستضعفین عالم است که با نامه به حکام سراسر جهان صورت پذیرفت.

پنج. جهاد در نشر دعوت اسلامی به واسطه اعزام مبلغین؛ مانند اعزام مصعب بن عمیر به مدینه.

شش. جهاد فتح یا توسعه اسلام؛ که با جهاد نظامی به منظور فتح مکه و باقی نقاط، از طریق لشکرکشی محقق شد.

هفت. جهاد تأسیس دولت اسلامی؛ که برای این منظور، پیغمبر اکرم ﷺ ابتدا بیعت عقبه اول که بیعت ایدئولوژیک بوده و سپس پیمان عقبه دوم که پیمان بر جهاد بود را از درخواست کنندگان گرفتند؛ و از ایشان عهد گرفتند؛ به تعداد نقباء، افراد را به دوازده گروه تقسیم کردند؛ و یک نفر را به عنوان سرگروه قرار دادند؛ و مأموریت تبلیغ در مدینه به منظور تشکیل دولت اسلامی را به ایشان سپردند.

هشت. جهاد تأسیس دولت؛ که منجر به تأسیس حکومت شد و پیغمبر اکرم ﷺ در رأس حکومت قرار گرفت. تأسیس حکومت اسلام در آن زمان، غیر از حکومت در زمان معاصر است؛ ارکان حکومت معاصر، سرزمین، ملت، هیئت حاکمه و حاکمیت است. اما ارکان دولت مدینه، مسجد، برادری اسلامی و میثاق مدینه بوده که حدود آن حرم مدینه بوده است.

نه. جهاد حفاظت از دولت اسلامی؛ پس از تأسیس دولت، جهادی تحت عنوان جهاد حفاظت از دولت اسلامی طرح شد. مصادیق این جهاد در سال‌های متعدد حکومت نبی اکرم ﷺ عبارتند از: سال اول: پایبندی به عهد؛ سال دوم: جنگ بدر؛ سال سوم: غزوه احد؛ سال چهارم: غزوه بنی‌نضیر؛ سال پنجم: احزاب؛ سال ششم: صلح حدیبیه؛ سال هفتم: خیبر و در نهایت سال هشتم: فتح مکه است.

در نگاه معاصر، جهاد حفظ نظام، شامل اموری از قبیل حفظ شخصیت‌های نظام، تأسیسات، اسناد، ساختار و محتوای نظام اسلامی است. در این میان حفظ اصل نظام از اهم واجبات است.

ده. جهاد تمدن‌سازی؛ که به عنوان غایت نهایی جهاد به حساب می‌آید.



۳. قلمروشناسی و ابعاد جهاد تمدنی

در جهاد تمدنی، قلمرو جهاد از معنای سنتی خود فراتر رفته است و گستره‌ای بسیار وسیع، شامل تمامی عرصه‌های حیات جمعی را در بر می‌گیرد. این مفهوم، ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، سبک زندگی، نظامی و... را شامل می‌شود. امروزه، از آنجا که دشمن از جنگ ترکیبی، یعنی تلفیق همزمان ابزارهای نرم، نیمه‌سخت و سخت، استفاده می‌کند، پاسخ متناسب نیز جهاد ترکیبی خواهد بود که مستلزم به‌کارگیری مجموعه‌ای از ابزارهای متناظر نرم، نیمه‌سخت و سخت در تمامی عرصه‌های پیش‌گفته است. بنابراین «جهاد تمدنی» تنها جهاد سخت افزاری نیست؛ بلکه نبردی تمام عیار در تمام عرصه‌های فرهنگی اجتماعی، سیاسی و دیگر عرصه‌های مهم جامعه است. در این جنگ تمدنی، هر فردی که بداند در مقابل دشمن چه کاری از دستش بر می‌آید و خود را در ابعاد مختلف تقویت نماید، سرباز است.

قلمرو فراستانی جهاد در ابعاد مختلف تمدنی به شرح زیر قابل بیان است:

الف. جهاد فرهنگی؛ این عرصه، جنگ نرم را در برمی‌گیرد و بر گفتمان‌سازی ادبیات تمدنی، تولید هنر و ادبیات مقاومتی مانند فیلم‌های ضد استکباری، بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی برای تمدن اسلامی تأکید دارد. پیامد چنین جهادی در عرصه فرهنگی، اسلام را از یک دین فردی به یک الگوی تمدنی جذاب برای جهانیان تبدیل می‌کند. سینما و هنری که در جهت فرهنگ دینی، باشد می‌تواند دنیا را تسخیر خود نماید؛ مانند سریال یوسف پیامبر (ع)؛ همانگونه که هالیوود در فرهنگ منحط غربی چنین جایگاهی دارد. قرآن کریم در آیه شریفه ﴿مردم را﴾ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] پرداز» (نحل، ۱۲۵) بر استفاده از روشی زیبا و هنرمندانه برای دعوت به دین تأکید دارد. خداوند در قرآن کریم زیباترین قصه‌ها را در قالب کتاب آسمانی بیان فرموده تا مایه عبرت و هدایت باشد؛ «همانا در حکایت آنان برای صاحبان عقل عبرت کامل خواهد بود» (یوسف، ۱۱۱) این‌گونه آیات، گواهی بر کارآمدی هنر داستان‌پردازی در راستای اهداف فرهنگی و دینی است.

ب. جهاد اقتصادی؛ این حوزه بر مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر فشارهای خارجی و تحریم‌ها، ایجاد مدل اقتصادی دانش‌بنیان و حمایت از شرکت‌های مرتبط، توسعه ابزارهای مالی مستقل مانند رمز ارزهای اسلامی و تحول در نظام بانکداری برای رهایی از سلطه مدل‌های غربی متمرکز است. از جمله آثار چنین جهاد اقتصادی، شکست هژمونی دلار و ایجاد نظام مالی چند قطبی با رمز ریال یا پیمان‌های پولی دو جانبه خواهد بود. در قرآن کریم، خداوند متعال در

ذکر اوصاف مسلمانان با عباراتی چون «در انجیل، که چون زراعتی هستند که جوانه بزند و آن جوانه محکم شود و بر پاهای خود بایستد و کشاورزان را به شگفتی وادارد، تا آنجا که کافران را به خشم آورد». از ایشان خواسته روی پای خود بایستند و همه جهات استقلال و خودکفایی که دشمنان را به خشم آورد و موجبات نومیدی آنان شود را در خود فراهم آورند. در نتیجه این خود کفایی، نه تنها تحریم‌های دشمن موجب مشکلات اقتصادی نمی‌شود، بلکه نیروی محرکی برای پیشرفت و دستیابی به استقلال اقتصادی است. همچنین در آیه «اگر (در اثر دور شدن تجارت و ثروت آنها از شما) از فقر می‌ترسید خدا اگر بخواهد شما را به فضل خود (از خلق و از مشرکان) بی‌نیاز خواهد کرد» (توبه، ۲۸) خواستار قطع رابطه با دشمنان اسلام و مسلمانان شده، سپس به مسلمانان نسبت به تحریم اقتصادی و قطع رابطه با دشمنان دلگرمی می‌دهد و می‌فرماید که اگر رابطه اقتصادی با دشمنان قطع شود، شما ضرر و زیانی نخواهید کرد؛ زیرا خداوند از فضل خویش شما را کمک می‌کند و مشکلات اقتصادی شما را با فضل خود حل و فصل می‌نماید. از امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل شده است: «إِحْتِجَّ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَسِيرَهُ، إِسْتَعِنْ عَمَّنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ، أَحْسِنْ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ؛ محتاج هرکه شوی، اسیر او خواهی بود. بی‌نیاز از هرکه گردی، با او برابر خواهی شد و هرکه را مورد نیکی و احسان خود قرار دهی، فرمانروای او خواهی شد» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۰۳). زمانی که ملتی به ملت دیگر کمک کند، خواه‌ناخواه، اولی بر دومی سلطه پیدا می‌کند. بنابراین، استقلال اقتصادی از مهمترین ارکان حیات ملی است (مطهری، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۲۲).

ج. جهاد علمی؛ قرآن و روایات، فراگیری و تولید علم را به عنوان یک اصل اساسی و مقدم بر هر چیز دیگری معرفی می‌کنند. علی رغم این تأکیدات، «علم» امروزه در خدمت ظالم‌ترین انسان‌ها و ظالم‌ترین جوامع است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳) نخستین دستور الهی به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) «خواندن» است. اولین آیاتی که بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شد، بر علم‌آموزی تأکید داشت: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق، ۱) این آیه، نقطه آغاز رسالت را با خواندن و علم پیوند می‌زند. قرآن سپس به ابزار نشر دانش یعنی قلم در آیه شریفه «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم، ۱) اشاره می‌کند و در حقیقت از انسان می‌خواهد فرآورده‌های علمی خود را با ابزار قلم نشر دهد و به نسل‌های آینده منتقل کند. روایت «الإسلامُ يعلو ولا يُعلى عليه» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۳۴) و کلام منسوب به امیرالمؤمنین (علیه السلام) که فرمودند: «علم، قدرت است؛ هر کس بدان دست یابد غلبه می‌کند و هر کس آن را نیابد، مغلوب واقع می‌شود» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۹)، با اطلاق خود، به برتری همه جانبه اسلام، از جمله در عرصه دانش‌اندوزی بر سایر جوامع بشری دلالت دارد. این بُعد از جهاد، به معنای جهش در فناوری‌های حساس و راهبردی مانند فناوری هسته‌ای، هوش مصنوعی و نانو و همچنین دستیابی به استقلال کامل در زمینه‌های علمی و کسب توانمندی‌های

پیشرفته است. مهمترین اثر مثبت چنین جهادی، رسیدن به مرجعیت علمی در حوزه‌های مختلف علم و فناوری است. رهبر شهید انقلاب علیه السلام در سیاست‌های کلی علم و فناوری، موارد ذیل را ابلاغ فرمودند: «جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان با تأکید بر تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه پردازی. ارتقای جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام. توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی، تحول و ارتقاء علوم انسانی به‌ویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی با تقویت جایگاه و منزلت این علوم. جذب افراد مستعد و با انگیزه و اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و ارتقا کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوطه، دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته با سیاستگذاری و برنامه‌ریزی ویژه (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۶/۲۹).

د. جهاد اجتماعی در پرتو شبکه‌سازی مردمی و ارتقای سرمایه اجتماعی؛ جهاد اجتماعی بر مبنای اصل بنیادین مشارکت و هم‌افزایی شکل می‌گیرد. مستند قرآنی این بُعد از جهاد، آیه شریفه ﴿و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید﴾ (مائده، ۲) است. دلالت روشن این آیه در حوزه مباحث اجتماعی، گذر از تکلیف فردی به مسئولیت جمعی است؛ به‌گونه‌ای که کنش‌گری مشترک مؤمنان در مسیر نیکی و حل معضلات عمومی، به مثابه یک فریضه و بستر اصلی تحقق «بِرِّ» معرفی می‌گردد. این دلالت قرآنی، در سیره و کلام امیرالمؤمنین علیه السلام با عبارت «التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶) تبیین شده است. کلام حضرت بر این امر تأکید می‌ورزد که اقامه حق و استقرار قسط و عدل، امری انتزاعی یا صرفاً حاکمیتی نیست، بلکه نیازمند عنصر جمع و اجتماع و مداخله فعالانه آحاد مردم است. این مهم بدون بسط اعتماد و رضایت‌مندی عمومی، تحقق عدالت اجتماعی و سازماندهی هدفمند تشکلهای مردمی محقق نمی‌شود. از مصادیق آن می‌توان به شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) و شبکه‌های اجتماعی ملی اشاره کرد؛ فضاهایی که در آنها، ضمن حفظ آزادی بیان، حرکت جمعی حول محور ولایت فقیه و به دور از آسیب‌های رایج فضای مجازی شکل می‌گیرد.

هـ. جهاد بین‌المللی به منظور امنیت‌سازی برای مستضعفین عالم؛ این بُعد، شامل نشر گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه جهانی، تشکیل محور مقاومت و دفاع از مظلومین و مستضعفین عالم است. چنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم با لحنی عتاب‌آمیز نسبت به بی‌تفاوتی در برابر مظلومان می‌فرماید: ﴿شما را چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟﴾ (نساء، ۷۵) این قتال در راه خدا و نجات مستضعفین، اولاً جنبه نظامی و ثانیاً جنبه فرهنگی و نشر گفتمان اسلامی در عالم برای نجات مستضعفین از استضعاف دارد. اطلاق آیه شریفه، دلالت بر آن دارد که در فقه سیاسی اسلام، جهاد صرفاً

به دفاع از مرزهای داخلی محدود نمی‌شود؛ بلکه رهایی بخشی و یاری رساندن به مسلمانان و مستضعفانی که در سایر سرزمین‌ها تحت ستم قرار گرفته‌اند، یک تکلیف شرعی است. در این راستا، اقدامات امنیتی برون مرزی مانند مبارزه شهید سلیمانی و یارانش علیه داعش و جریان‌های تکفیری، تجلی عملی همین آیه شریفه است که نه تنها عمل به رسالت قرآنی حمایت از مستضعفان به شمار می‌آید، بلکه به عنوان یک جهاد امنیتی پیش‌دستانه برای دفع خطر از مرکز جهان اسلام و حفظ امنیت یکپارچه سرزمین‌های اسلامی تعریف می‌شود.

و. جهاد مسلمانان با سبک زندگی غیراسلامی و غربی؛ این بُعد از جهاد، مبتنی بر مقابله با الگوهای زیست غربی و اهتمام به ترویج الگوی ایرانی اسلامی است. در این میان، نهاد خانواده به عنوان اولین و مؤثرترین بستر شکل‌گیری سبک زندگی، خط مقدم این مقاومت فرهنگی محسوب می‌شود. از آنجا که راهبرد نظام استکبار بر فروپاشی هویت جمعی از طریق اضمحلال خانواده متمرکز است، صیانت از این نهاد، مصداق بارز آیه شریفه «خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید» (تحریم، ۶) است. بر همین اساس، در کلام معصومین علیهم‌السلام، نقش آفرینی مؤثر زن در قوام بخشی به خانواده با تعبیر «جهاد زن شوهرداری نیکوست» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۵۰۷). هم‌تراز با جهاد اصغر قلمداد شده است. لذا مدیریت عاطفی خانواده، تربیت نسل صالح، فرزندآوری در واقع ارکان یک جهاد همه جانبه برای حفظ استقلال هویتی و انسداد مجاری نفوذ فرهنگی دشمن به شمار می‌آیند.

ز. جهاد نظامی؛ از دیگر ابعاد جهاد تمدنی، جهاد نظامی است. ماهیت جهاد تمدنی در عرصه نظامی، صرفاً دفاعی نیست؛ بلکه می‌تواند پیش‌دستانه باشد. البته جهاد پیش‌دستانه نیز از این جهت ماهیت دفاعی دارد که در مقابل هجمه‌ای که دشمن در آینده انجام خواهد داد، از پیش، تفکر و اقدام می‌شود. لذا می‌توان آن را مصداقی از جهاد دفاعی دانست. علاوه بر آن بنابر آیاتی همچون «و خویشتن را به دست خویش به هلاکت میندازید» (بقره، ۱۹۵) عدم جهاد در صورت احتمال حمله دشمن، انداختن خود به هلاکت است. بنابراین جهاد پیش‌دستانه قبل از حمله دشمن، در صورتی که احتمال قوی بر حمله دشمن داده می‌شود، لازم است. بر این اساس سه محور اساسی برای این عرصه می‌توان نام برد؛ محور اول، بنابر آیه شریفه «خدا کسانی را دوست دارد که صف زده در راه او جهاد می‌کنند [و از ثابت قدمی] گویی بنایی پولادین و استوارند» (صف، ۴) اتحاد راهبردی است؛ اتحادی که در جریان طوفان الاقصی میان حزب الله و حوثی‌ها و حماس رخ داد. محور دوم، آیه شریفه «و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید» (انفال، ۶۰) است که بر نوآوری و ایجاد کمال استطاعت در راهبردهای نظامی و جنگ متقارن و نامتقارن دلالت دارد. محور سوم به این اشاره دارد که جنگ تمدنی

نظامی نیاز به اقتصاد مقاومتی نظامی دارد؛ تا در خودکفایی تسلیحاتی و ایجاد شبکه مالی درون سازمان مقاومت تعریف گردد. بنابر آیه شریفه ﴿وَأَهْنِ سَخْتاً﴾ (چون موم) بر دست او نرم گردانیدیم. [و به او گفتیم] که زره‌های فراخ بساز و حلقه‌های آن را متناسب و هماهنگ اندازه‌گیری کن. (سبأ، ۱۱) اینکه پیامبر و رهبر یک جامعه برای تأمین امنیت، به جای وابستگی به دیگران، خود به مهندسی و تولید تجهیزات دفاعی می‌پردازد، دقیقاً به مفهوم اقتصاد مقاومتی نظامی و قطع وابستگی‌ها اشاره دارد.

نتیجه‌گیری

«جهاد» در لغت به معنای مشقت، زحمت و یا به معنای وسع و طاقت است. «تمدن» در لغت به معنای شهرنشینی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش است. ترکیب جهاد و تمدن، اصطلاحی مرکب با عنوان «جهاد تمدنی» شکل می‌دهد. مقصود از این اصطلاح، بر اساس فحوای آیات و روایات، آن است که جهاد در صورت تحقق بر طبق ضوابط و شرایط، تمدن‌ساز خواهد بود.

جهاد تمدنی دارای پنج شاخصه اصلی است. شاخصه اول، استفاده از ظرفیت عقلی، روحی، روانی و جسمانی جهت تبدیل ضعف به قدرت است. شاخصه دوم، ماهیتی رهایی‌بخش و ضد استکباری است. از آنجا که جهاد در شریعت، همراه و قرین با سبیل الله آمده، شاخصه سوم، عنصر سبیل الله است. شاخصه چهارم، شناخت دقیق دشمن در ابعاد مختلف است. شاخصه پنجم، وجود فقیه جامع الشرایط است که در تزاماتی که میان واجبات و محرمات در عرصه اعمال قدرت اتفاق می‌افتد، تعیین تکلیف نماید.

جهاد تمدنی شامل موارد زیر است: جهاد فرهنگی (گفتمان‌سازی، هنر مقاومتی، دانشگاه نسل چهارم، مرجعیت زبان فارسی)، جهاد اقتصادی (مقاوم‌سازی، اقتصاد دانش‌بنیان، رمزارزهای اسلامی، تولید داخلی)، جهاد علمی (هسته‌ای، هوش مصنوعی، نانو)، جهاد اجتماعی (سرمایه اجتماعی، عدالت، اردوهای جهادی)، جهاد بین‌المللی (محور مقاومت، وحدت اسلامی، مبارزه با تکفیری‌ها)، جهاد در سبک زندگی (مقابله با الگوی غربی، خانواده‌محوری)، و جهاد نظامی (دفاع پیش‌دستانه، اتحاد راهبردی، جنگ متقارن و نامتقارن، اقتصاد مقاومتی نظامی). جهاد تمدنی در مقابل جنگ ترکیبی دشمن، پاسخی متناسب و نوعی جهاد ترکیبی در تمامی عرصه‌هاست.



فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه العظمیٰ مرعشی نجفی.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (بی تا)، مقدمه ابن خلدون، قاهره: دار النهضة.
۳. ابن منظور الأنصاری، محمد بن مکرم بن علی، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
۴. انصاری، محمد علی، موسوعه الفقہ المیسره. ۱۴۱۵. مجمع الفكر الإسلامی. قم.
۵. بیات، حجت الله، (۱۴۰۳ش)، نیمه اول اجتهاد، ویراست دوم، چاپ اول، قم: نشر موضوع شناسی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۷. حکیم، محسن، (۱۳۷۴ش)، مستمسک العروة الوثقی، قم: دار التفسیر.
۸. حلی مقداد بن عبدالله، (۱۴۲۲ق)، کنزالعرفان فی فقه القرآن، قم: مکتب نوید اسلام.
۹. خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۰ش)، ثلاث رسائل فی الجهاد، تهران: انتشارات فقه روز وابسته به انقلاب اسلامی.
۱۰. _____، (۱۳۶۵/۰۸/۱۰)، سخنرانی در کانون توحید تهران.
۱۱. _____، (۱۳۹۲/۲/۱۱)، سخنرانی، بیانات در دیدار جمعی از مداحان.
۱۲. _____، (۱۳۸۸/۱۱/۱۳)، دیدار با وزیر علوم و اساتید دانشگاه تهران.
۱۳. _____، (۱۴۰۱/۱۱/۲۶)، سخنرانی، بیانات در دیدار با مردم آذربایجان.
۱۴. _____، (۱۳۹۳/۶/۲۹)، ابلاغ سیاست های کلی علم و فناوری.
۱۵. _____، (۱۳۹۲/۲/۹)، سخنرانی، بیانات در اجلاس جهانی علما بیداری اسلامی.
۱۶. خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۶ش)، صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۷. _____، (۱۳۹۲ش)، تحریر الوسيلة، چاپ سوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین (خوئی)، چاپ بیست و هشتم، قم: مدینه العلم آیت الله العظمی الخوئی.
۱۹. دورانت ویلیام، (۱۳۸۵ش)، تاریخ تمدن، تهران: علمی فرهنگی.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، قم: دفتر نشر الکتاب.
۲۱. روحانی، سید محمد صادق، (۱۴۲۹ق)، منهاج الفقاهه، قم: أنوار الهدی.

۲۲. زبیدی، مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
۲۳. سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام، قم: دارالتفسیر.
۲۴. شبیری، سید موسی، (بی تا)، کتاب الصوم، قم: انتشارات مرکز فقهی امام باقر علیه السلام.
۲۵. شریعتی، علی، (۱۳۵۹ش)، تاریخ تمدن، تهران: قلم.
۲۶. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۳۰ق)، موسوعة الشهيد الأول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزة العلمية.
۲۷. صدر، سید محمدباقر، (۱۳۷۵ق)، اقتصادنا، الطبع الاول، نجف اشرف: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۸. صدوق، ابن بابویه محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: ناشر دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۱. _____، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
۳۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: استانه الرضویه المقدسه.
۳۳. عمید، حسن، (۱۳۶۴ش)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.
۳۴. فخلعی، محمد تقی و بشری عبدخدایی، (۱۴۰۳ش)، «گفتمان کاوی؛ رهیافتی نو در فقه جهاد از نگاه فقیهان و اندیشمندان مذاهب اسلامی»، مجله فقه، شماره ۳.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، العین، قم: موسسه دارالهجره.
۳۶. فقیهی، محسن، (۹۷/۱۰/۲۶)، تدریس تفسیر (بقره: ۸۴).
۳۷. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۳۸. قرشی، سید حسن، (۱۳۸۸ش)، «جهاد و دفاع از نگاه میرزای قمی با مقایسه آرای فقهی امام خمینی علیه السلام»، مجله حضور، ش ۷۰.
۳۹. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، (بی تا)، کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء، اصفهان: مهدوی.
۴۰. کعبی، عباس، (۹۸/۰۹/۱۸)، سخنرانی: روش شناسی اجتهادی حضرت آیت الله خامنه ای در کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد».
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ش)، الکافی، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸ش)، نظری بر نظام اقتصادی اسلام، تهران: ناشر صدرا.
۴۳. معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۵ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۴۴. مفید محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: ناشر کنگره شیخ مفید.

۴۵. نجفی، محمد حسن، (بی تا)، **جواهر الکلام** (ط. القدیمة)، محقق و معلق: محمود قوچانی، مصحح: ابراهیم میانجی. چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. نجفی، محمد حسن، (۱۴۲۱ق)، **جواهر الکلام** ط. الحدیثه، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
۴۷. نفیسی، علی اکبر، (بی تا)، **فرهنگ نفیسی**، تهران: خیام.
۴۸. نوری، حسین، (۱۴۰۸ق)، **مستدرک الوسائل**، بیروت: موسسه آل البيت علیهم السلام.

فقهی و فلسفی

تشخيص الموضوع الفقهي لـ «الجهاد الحضاري»

عباس كعبي نسب^١

سيد علي منجم^٢

ملخص البحث

يعدُّ «الجهاد» بمعناه العام من أهم الأبواب الفقهية، إلا أنَّ هيكلية التقليديَّة لم تعد تتوافق مع الاحتياجات المعاصرة والتحوُّلات العرفية والسياسية؛ وهذا الفراغ يستوجب بحثاً تحويلياً في باب الجهاد. يسعى هذا البحث، مستخدماً المنهج الفقهي التقليدي (على طريقة الفقه الجواهري)، إلى مواكبة المقتضيات والتحوُّلات الاجتماعية والسياسية الراهنة، لإبراز ديناميَّة الفقه وحيويَّته. يعنِّي الجهاد لغةً: المِبارزة والسعي لتحقيق هدف هامٍّ؛ ولذا يمكن تطبيقه خارج نطاق الحرب العسكرية. على أنماطٍ أخرى كالجهاد المالي، والعلمي، والأمني. ومن هذا المنطلق، تبرز الحاجة إلى إعادة تعريف الجهاد. يعتمد هذا البحث المنهج الوصفي. التحليلي، ويقترح مصطلحاً جديداً هو «الجهاد الحضاري»؛ وهو تركيب اتحاديٍّ من «الجهاد» و«الحضارة»، لبيان حقيقة أنَّ الجهاد إذا ما تحقق وفق الضوابط الشرعية ومقتضيات العصر، فإنه يصبح بحد ذاته صانعاً للحضارة؛ والجهاد في جميع أبعاده يشيّد الحضارة، والحضارة ثمرة الجهاد. ولا يقتصر نطاق هذا «الجهاد الحضاري» على ساحات القتال العسكري فحسب، بل يمتدّ ليشمل مجالاتٍ متعدّدة من الحياة الجماعية، كالإقتصاد، والعلم، والأسرة، والأمن، والمجتمع.

الألفاظ المفتاحية: الجهاد، الحضارة، الجهاد الحضاري، سبيل الله، تشخيص الموضوع الفقهي.

١. أستاذ مساعد في مؤسسة الإمام الخميني للتعليم والأبحاث، قم، إيران، kabi@iki.ac.ir.

٢. طالب دكتوراة في الفقه وأسس القانون الإسلامي، جامعة الإمام الصادق (عليه السلام)، طهران، إيران، m.monajem2010@gmail.com.

Juristic Subject Analysis of Civilizational Jihād

Abbas Kaʿbinasab¹

Sayyed Ali Monajjem²

Abstract

Jihād, in its broad sense, constitutes one of the most significant chapters of Islamic jurisprudence. However, its traditional conceptual structure has not been sufficiently aligned with contemporary social, political, and customary developments, creating the need for a transformative reassessment of this field. This article seeks to demonstrate, while remaining within the classical methodology of *fiqh-i jawāhirī* (the traditional Imāmī juristic method associated with Jawāhir al-Kalām), that Islamic jurisprudence possesses the capacity to accommodate contemporary social and political realities. Linguistically, jihād signifies striving and exerting effort toward an important objective. Accordingly, its application extends beyond military warfare to forms such as financial, scientific, and security-related striving. From this perspective, a redefinition of jihād becomes necessary. Employing a descriptive-analytical approach, the study proposes the new concept of *jihād-i tamaddunī* (civilizational jihād), an integrated concept combining jihād and civilization. This concept expresses the idea that when jihād is realized in accordance with Sharīʿah principles and the demands of the age, it becomes a force for civilization-building. The study argues that jihād in all its dimensions contributes to the creation of civilization, while civilization itself represents the outcome of jihād. The scope of civilizational jihād is therefore not confined to military battlefields but encompasses diverse aspects of collective life, economy, science, family, security, and society.

Keywords: Jihād, civilization, civilizational jihād, *sabil Allāh* (the path of God), juristic subject-analysis.

1. Assistant Professor, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran. kabi@iki.ac.ir.

2. PhD Candidate in Fiqh and the Foundations of Islamic Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. m.monajjem2010@gmail.com.